

Historical life of Mehdi Mar'ashi (narrator of Imam Hasan Askari's interpretation book and part of Tabarsi's Ihtijaj)

*Kazem Ostadi*¹

(DOI): 10.22034/SKH.2021.11228.1223

Original Article

P 96 - 123

Abstract

The two books Al-Ihtijaj and Tafsir of Imam Hasan Askari (PBUH) are the subject of debate and discussion among some Shia scholars, especially the new ones, from various aspects. The controversies of these two Shiite books are multi-dimensional and consist of many layers; It includes the date of compilation, the attribution of the book to the author, and the documents and contents of the books. About these two books, one point is very important: The whole book of Imam Hasan Askari's interpretation book and a significant part of the book Ihtijaj are quoted by a narrator named "Mahdi bin Abi Harb" or "Mohtadi bin Al Harith". There is no information about his history and biography in the sources of Shia biographies. Therefore, it is necessary to identify this narrator. In this research, using more than ninety sources, his biography has been searched, analyzed and presented.

Keywords: : Abu Ja'far al-Mar'ashi, Ihtijaj, interpretation of Imam Hasan Askari (PBUH), Mar'ashian, Ahmad bin Ali Tabarsi.

1- Graduated from Quran and Hadith Sciences, Qom Hadith and Quran University. Iran. kazemostadi@gmail.com

Received: 2022/07/11 | Accepted: 2022/09/21



This article is distributed under the terms of the Creative Commons Attribution4.0 | <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>

زندگی تاریخی مهدی مرعشی (راوی تفسیر امام حسن عسکری(ع) و بخشی از احتجاج طبرسی) کاظم استادی^۱

شناسه دیجیتال (DOI): 10.22034/SKH.2021.11228.1223

نوع مقاله: علمی پژوهشی

ص: ۱۲۳/۹۶

چکیده

دو کتاب الاحتجاج و تفسیر امام حسن عسکری(ع) از جهات گوناگون میان برخی دانشمندان شیعه، به ویژه علمای جدید، مورد مناقشه و گفتگوست. مناقشات این دو کتاب شیعی، چندبعدی بوده، و از لایه‌های فراوانی تشکیل شده است؛ یعنی شامل تاریخ تألیف، انتساب کتاب به مؤلف و اسناد و محتوای کتاب‌هاست. پیرامون این دو کتاب، یک نکته بسیار اهمیت دارد؛ آن اینکه تمام کتاب تفسیر امام حسن عسکری(ع) و بخش قابل توجهی از کتاب الاحتجاج، به نقل از یک راوی، به نام «مهدی بن ابی‌حرب» یا «مهدی بن الحارث» است. اطلاعاتی از شرح حال و ترجمه وی در منابع رجال و تراجم شیعه وجود ندارد. بنابراین لازم است این راوی شناسایی و ترجمه شود. در پژوهش حاضر، با بهره‌گیری از بیش از نود منبع، شرح حال وی جستجو و تجزیه و تحلیل و ارائه شده است.

کلیدواژه: ابوجعفر المرعشی، احتجاج، تفسیر امام حسن عسکری(ع)، مرعشیان، احمد بن علی طبرسی.

^۱ - دانش آموخته رشته قرآن و حدیث، دانشگاه قرآن و حدیث، قم، ایران، kazemostadi@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۲۰ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۳۰



مقدمه

میان برخی دانشمندان شیعیه، مخصوصاً علمای متأخر، دو عنوان کتاب «الاحتجاج» و «تفسیر امام حسن عسکری(ع)»، مورد مناقشه و گفتگو است؛ و این مناقشات، چند بعدی و از لایه‌های متعددی تشکیل شده است؛ یعنی هم شامل، تاریخ تألیف، و نیز انتساب کتاب به مؤلف و هم شامل اسناد و محتوای کتاب‌ها می‌باشد. (به عنوان نمونه نک: صادقی، ۱۳۹۵ش: سراسر متن؛ نیز برای تفسیر، نک: استادی، ۱۳۶۴ش: سراسر متن)

در این میان، یک نکته بسیار حائز توجه و اهمیت است؛ و آن این که تمام کتاب تفسیر امام حسن عسکری(ع) و نیز بخش قابل توجه‌ای از کتاب احتجاج، به نقل از یک راوی، با نام «مهدی بن ابی حرب الحسینی المرعشی» یا «مهدی بن الحارث الحسینی» است. به عبارت دیگر، سند تعداد زیادی از نسخه‌های تفسیر امام حسن عسکری(ع) از این راوی است؛ و نیز تنها اسناد موجود در کتاب موسوم به احتجاج، که در دو جای این کتاب آمده است، با نام این شخص می‌باشد.

اطلاعاتی از شرح حال و ترجمه وی در منابع رجال و تراجم شیعه وجود ندارد (نک: استادی، ۱۴۰۰ش: سراسر متن)، بنابراین لازم است این راوی شناسایی و ترجمه شود. این شناسایی چندین فایده دارد: اول اینکه، تکلیف این دو اثر، از نظر هویت رجالی راوی روشن می‌شود. دوم اینکه، تاریخ نقل و انتقالات این کتاب‌ها گویا می‌شود. سوم اینکه، ممکن است برخی مناقشات پیرامون این دو کتاب مرتفع، یا حتی مناقشات جدیدی ایجاد گردد.

این سؤال‌ها مطرح است که: ۱- مهدی بن ابی حرب الحسینی کیست؟ ۲- آیا وجود خارجی و هویت تاریخی دارد؟ آیا تاریخ و ترجمه‌ای از ایشان بیان شده یا خیر؟ ۳- شرح حال و زندگانی ابوجعفر الحسینی المرعشی چگونه است؟

تاکنون فقط یک تحقیق پیرامون الحسینی المرعشی انجام شده است: «معلمی، مصطفی (۱۳۹۸ش)، *ابوجعفر مرعشی راوی تفسیر منسوب به امام حسن عسکری(ع)*، پژوهش‌های قرآن و حدیث، س ۵۲، ش ۲». این اولین اثر مستقل پیرامون این شخصیت است و نویسنده با تلاش قابل توجهی به کشف ترجمه کوتاه وی در برخی منابع اهل سنت پرداخته است. مقاله حاضر، با بررسی شواهد و قرائن مختلف و تجزیه و تحلیل آنها با اطلاعات موجود از مهدی المرعشی، به ارائه این شرح حال پرداخته است.

۱- نام و تبار ابوجعفر مرعشی

مهدی مرعشی، در کتب رجال و تراجم شیعه، شخصیتی مجهول است. (نک: استادی، ۱۴۰۰ش: سراسر متن) تنها ترجمه‌ای که از وی در دسترس است، ترجمه کوتاهی است که عبدالکریم سمعانی از قول مهدی مرعشی نقل نموده است. از دیگر سو، اولین اشاره‌ها به ابوجعفر مرعشی، با عنوان «ابوجعفر مهدی بن ابی‌حرب الحسینی» در کتب رجالی و تراجمی شیعه، توسط اردبیلی (م. ۱۰۱۱ق)، یا با توجه به رمز «مح»، به نقل از تلخیص المقال استرآبادی، صورت گرفته (اردبیلی، ۱۴۰۳ق: ج ۲، ص ۴۱۴) و این شناسایی در کتب بعدی تکرار شده است. (حر عاملی، بی‌تا: ج ۲، ص ۳۲۷) با توجه به نکته‌ای که بیان شد، اکنون به مواردی از نام و تبار وی می‌پردازیم:

الف) نام، لقب و کنیه

در منابع و اسناد مختلف، اسامی گوناگون صحیح یا تصحیف‌شده‌ای برای نام و لقب و کنیه وی درج شده است که عبارتند از: ابوجعفر مهدی بن ابی‌حرب الحسینی المرعشی (نک: نسخه خطی کتابخانه اردکان به شماره ۱۷۷ با تاریخ ۷۳۶ق، ص ۵). ابن ابی‌جمهور، ۱۴۰۳ق: ۱۶؛ ابوجعفر مهدی ابن ابی‌حرب (العلوی) الحسینی (نک: نسخه خطی کتابخانه اردکان به شماره ۱۷۷ با تاریخ ۷۳۶ق، ص ۶۵)؛ ابی‌جعفر مهتدی بن حارث الحسینی المرعشی (نک: نسخه خطی رضوی، شماره ۱۱۱۶۵ در قرن ۱۰؛ نسخه خطی مرعشی، شماره ۱۱۹۸۵، قرن ۱۱)؛ ابوجعفر مهدی بن ابی‌حرب الحسینی (اردبیلی، ۱۴۰۳ق: ج ۲، ص ۴۱۴)؛ ابوجعفر القائنی الحسینی المرعشی، ابن ابی‌حرب نزار قائنی (نک: تهرانی، بی‌تا: ج ۲، ص ۳۱۲)؛ المهدی بن ابی‌حرب الحسینی الجرجانی (ابن شهرآشوب، بی‌تا: ج ۱، ص ۱۰ و ۱۱)؛ ابوجعفر المهدی بن إسماعیل ابن ابراهیم (سمعانی، ۱۳۸۲ق: ج ۱۲، ص ۱۹۲)؛ ناصرالدین المهدی بن ابی‌حرب بن ناصر (مروزی، عزالدین، ۱۴۰۹ق: ص ۷۵)؛ المهذب بن إسماعیل بن ابراهیم بن ابی‌حرب ابراهیم (ذهبی، ۱۴۱۳ق: ۳۶/ ۵۲۴)؛ ابی‌جعفر ناصرالدین المهدی المکابادی. (رجایی، ۱۳۸۵ش: ج ۳، ص ۲۹۰)

ب. پدر؛ خانواده

در سلسه نسبی که برای مهدی مرعشی ذکر کرده‌اند، نام پدرش مبهم است. سمعانی به نوعی نام پدر او را «ناصر» درج نموده است. (سمعانی، ۱۳۸۲ق: ۱۹۲/۱۲) مروزی از «ابی‌حرب» به عنوان پدر مهدی مرعشی یاد کرده (مروزی، ۱۴۰۹ق: ص ۷۵) و رجایی نیز این نام را به نوعی تأیید کرده است. (رجایی، ۱۳۸۵ش: ج ۳، ص ۲۹۰)

به ظاهر نام پدر باید ناصر و ابی حرب کنیه وی باشد. ولی در این صورت، از نظر فاصله زمانی میان نسلی در شجرنامه ابوجعفر، مشکلاتی به وجود می آید؛ یعنی اگر برخی اجداد وی، کهن سال نبوده باشند، اسامی برخی افراد نسل در شجرنامه وی افتادگی دارد.

ج. نسب و تبار

نسب و تبار ابوجعفر المرعشی، اولین بار در کتاب *الانساب* سمعانی آمده است که با تغییرات و تصحیفات یا کاستی‌هایی، در منابع بعدی تکرار شده است. متن این منابع به ترتیب تاریخی عبارتند از:

۱- سمعانی در *الانساب*:

أبوجعفر المهدی بن إسماعیل بن إبراهیم، و هو یعرف بناصر بن أبی حرب إبراهیم بن الحسین، وهو یعرف بأمیرک بن إبراهیم بن علی - وهو المرعش - بن عبد الله بن الحسن ابن الحسین بن علی بن الحسین بن علی بن أبی طالب العلوی المرعشی، یعرف بناصر الدین. (سمعانی، ۱۳۸۲ق: ۱۲/۱۹۲)

در سلسله‌نمایی که سمعانی درج کرده است، تکلیف پدر ابوجعفر، با عنوان «ابی حرب» به - درستی معلوم نیست. عنوان ابی حرب در این سلسله‌نسب، دو بار برای اجداد مهدی مرعشی ذکر شده است؛ یک بار برای ابراهیم، فرزند اسماعیل و بار دیگر، برای ابراهیم، فرزند حسین. اما این عنوان، برای پدر مهدی مرعشی ذکر نشده است.

۲- مروزی (م. بعد ۶۱۴ق) در *الفخری*:

أما علی المرعش، فله: ابراهیم المکابادی. و أحمد القاضی بطبرستان أعقب بها. و حمزة. و الحسن بیغداد. و الحسین. أما ابراهیم الماکابادی، فبطبرستان و جرجان، من عقبه قوم کثیر. أما جرجان فیها منهم: السید الامام ناصر الدین المهدی بن أبی حرب بن ناصر بن أبی حرب بن ابراهیم بن اسماعیل بن ابراهیم بن الحسین بن ابراهیم الماکابادی. (مروزی، ۱۴۰۹ق: ص ۷۵)

با توجه به نکته‌ای که در مطلب سمعانی ذکر شد، افراد دیگری که سلسله‌نسب سمعانی را به نقل از سمعانی در آثار خود درج نموده‌اند، لازم بود به همان قاعده سمعانی، نسب مرعشی را ضبط کنند. ولی اشاره شد که میان آنها، اسماعیل مروزی، عنوان ابی حرب را برای پدر مهدی مرعشی درج کرده است. علت این تفاوت، اکنون روشن نیست. همچنین مروزی در سلسله ابوجعفر، نام عبدالله را میان علی مرعش و حسن الدکه، ذکر نکرده است.

۳- ابن الأثیر در اللباب فی تهذیب الانساب:

المهدی بن إسماعیل بن إبراهيم و يعرف بناصر بن أبی حرب إبراهيم بن الحسين و يعرف بأمیرک بن إبراهيم بن علی و هو المرعش بن عبد الله بن الحسين بن الحسين بن علی بن الحسين بن أبي طالب العلوی المرعشی علوی. (ابن الأثیر، بی تا: ج ۳، ص ۱۹۷)

در سلسله نسب ابن اثیر، چهار نسل ابتدایی برای مرعشی ذکر نشده‌اند. شروع نسب، از اسماعیل بن ابراهیم است. ابراهیم را نیز این گونه معرفی کرده است: «يعرف بناصر بن ابی حرب ابراهیم» که ظاهراً در این متن، جابجایی‌هایی میان سلسله‌نسب رخ داده است.

۴- شمس‌الدین ذهبی (م. ۷۴۸ق) در تاریخ الاسلام:

المهذب بن إسماعیل بن إبراهيم بن أبی حرب إبراهيم بن أمیرک. أبو جعفر الحسيني، المرعشي، من ولد المرعش بن عبد الله بن الحسن بن الحسين بن زين العابدين، الدهستاني، الجرجاني. نزیل ساریه. (ذهبی، ۱۴۱۳ق: ۳۶، ص ۵۲۴)

در کتاب ذهبی، نام مهدی مرعشی، «المهذب» درج شده، که به احتمال قوی، تصحیف همان نام مهدی است. همچنین در سلسله‌نسب ذهبی برای مرعشی، چهار نسل ابتدایی وی ذکر نشده‌اند و شروع نسب، از اسماعیل بن ابراهیم است. ابراهیم را نیز این گونه همانند ابن اثیر معرفی کرده است.

۵- سیدمهدی رجایی در المعقبون من آل ابی طالب (ع):

«... أما أبو حرب ناصر بن إبراهيم بن إسماعیل، فأعقب من ولده: السيد الامام أبو جعفر ناصرالدین المهدی المکابادی». (رجائی، ۱۳۸۵ش: ج ۳، ص ۲۹۰)

در این ضبط نسب مرعشی، ترکیبی از منابع قبلی است. خود مهدی مرعشی نیز، این گونه ذکر شده است: ابو جعفر ناصرالدین المهدی المکابادی. همچنین نام پدر مهدی و جد دوم مهدی، که با عنوان ابی حرب قابل شناسایی است، درج نشده‌اند.

د. خویشاوندان و مرعشیان

از مرعشیان متقدم، روایاتی بدون درج عنوان «المرعشی»، مانند «الحسینی الجرجانی»، «الحسینی طبری»، «الحسینی العلوی» یا مواردی که تنها با نام و بدون القاب، در منابع حدیثی شیعه ذکر شده‌اند، از قبیل «محمد بن سراهنک» (نک: ابن طاووس، ۱۴۱۹ق: ص ۱۳۴)، یافت می‌شوند.

با توجه به کمی روایات مرعشیان با عنوان الحسینی المرعشی و با توجه به گستردگی خاندان مرعشی (نک: منتجب‌الدین، ۱۳۶۶ش: سراسر متن) و طول مدت حکومت مرعشیان در طبرستان (۷۶۰ - ۹۹۰ق)، به نظر می‌رسد که یا اساساً ایشان به صورت پرننگ، در زمره راویان احادیث نبوده‌اند یا عنوان الحسینی المرعشی، عنوانی غیر مشهور برای ایشان است که در برخی مواقع، به آن نامیده می‌شده‌اند.

در هر صورت، بیشترین آمار روایات مرعشیان، به راویان متقدم ایشان مربوط می‌شود. به عنوان نمونه، «الحسن بن حمزة» (م. ۳۵۸ق) که از خاندان و شیعیان اولیه و متقدم مرعشی است (نک: طوسی، ۱۴۱۵ق: ص ۴۲۲) و کتاب‌های متعددی داشته است. (نک: نجاشی، ۱۴۰۷ق: ص ۶۴؛ طوسی، ۱۴۱۷ق: ص ۱۰۴) بیش از شصت روایت از او با عناوین مختلف یافت می‌شود. (نک: طوسی، ۱۴۱۴ق: ص ۲۲، ۸۸، ۹۴، ۱۵۳، ۲۰۳، ۲۰۴ و ۴۱۸)

با جستجویی میان مرعشیان و نسبت آنها با فعالیت‌های علمی و دینی، روشن است که حداقل تعداد قابل توجهی از این نسل، جزء علمای شیعی بوده‌اند. برای نمونه، رازی، بیش از بیست نفر از خاندان مرعشی را در کتاب خود نام برده است. (نک: منتجب‌الدین، ۱۳۶۶ش: سراسر متن)

هـ - نسبت با امام زین العابدین (ع)

در تعداد فرزندان امام زین‌العابدین (ع) میان مورخان اختلاف است. حسین اصغر، جزء فرزندان غیر مشهور و اختلافی امام سجاد (ع) است. (مفید، ۱۴۱۳ق: ج ۲، ص ۱۵۵؛ کلبکر، ۲۰۰۲م: مدخل زین‌العابدین؛ شهیدی، ۱۳۷۴ش: ص ۲۰۵؛ امین‌عاملی، ۱۳۵۳ش: فصل فرزندان)

با اینکه اطلاعات و ترجمه‌ای از حسین اصغر وجود ندارد، نسب‌نویسان، عقبایی را برای وی ذکر کرده‌اند که حجم زیادی از آن، مربوط به مرعشیان است. (رجائی، ۱۳۸۵ش: ج ۳، ص ۳). اما اکنون با فرض وجود حسین اصغر، روشن نیست که در چه طبقه و رده نسلی، مرعشیان با خاندان امام زین‌العابدین (ع) مخلوط شده‌اند. آنچه تقریباً روشن است اینکه، در حدود سال ۱۷۵ قمری، علی بن عبدالله بن حسن بن حسین اصغر، مرعشی بوده است؛ یا از او با عنوان علی مرعش یاد شده است.

از سوی دیگر، چون فرزند حسین اصغر (ع) (حسن) با توصیف «الحسین الدکه» در برخی از انساب ذکر شده است - «دکه» نام مکانی نزدیک حلب و مرعش است - (نک: حلبی غزّی، ۱۴۱۹ق: ج ۲، ص ۲۱۰) این مطلب به ذهن می‌آید که احتمالاً شروع نسل مرعشیان از نسل حسینی، به فرزند حسین اصغر مربوط می‌شود.

اکنون جای این سؤال است که اگر فرض کنیم حسین اصغر از مرعشیان همسر انتخاب کرده باشد، این همسر چه کنیز باشد و چه آزاد، چگونه با حسین اصغر، مرتبط و ملاقات نموده است؟ به عبارت دیگر، آیا حسین اصغر به منطقه مرعش رفته است و در آنجا همسر گزیده است؟ یا زنی از مرعشیان به مدینه آمده است و با حسین اصغر مرتبط شده است؟ یا هر دوی ایشان، در مکان دیگر و سومی، ازدواج کرده یا مرتبط گشته‌اند؟ یا اساساً حسینی شدن مرعشیان، با ازدواج یا ارتباطی در نسل‌های بعدی حسین اصغر رخ داده است؟ زیرا شهر مرعش، تازه در سال ۳۴۲ قمری و در جنگ مرعش، به دست مسلمانان افتاده است؛ این شهر پیش‌تر، جزء ناحیه‌های مناطق اسلامی نبوده است. این بدان معناست که، مرعشیان و کسانی که در مرعش زندگی می‌کرده‌اند، تازه در اواسط قرن چهارم، با مسلمانان مرتبط و مختلط شده‌اند؛ اگر افرادی از آنها احتمالاً مسلمان بوده‌اند، بسیار نادر هستند؛ زیرا منطقه مرعش، کوهستانی است و در مسیر ارتباطات اسلامی و سفرهای مسلمانان نیز، قرار نداشته است. احتمال آخر اینکه، ممکن است حسین اصغر، به عنوان بازدید از مناطق مسیر حرکت کاروان اسیران کربلا (مهاجر، ۱۳۹۰ش: سراسر متن)، به منطقه دکه رفته باشد. در آنجا با دختری از مرعشیان مرتبط گشته و مرعشیان، این گونه، نسل حسینی یافته‌اند.

۲- مرعش و مهاجرت مرعشیان به ایران

مرعشیان، بومی ایران نبوده‌اند. بالاخره در زمانی، برخی از ایشان از منطقه مرعش، به ایران و مناطق گوناگون آن، مهاجرت کرده‌اند. بنابراین لازم است پیرامون ریشه مکانی آنها، شهر و جغرافیای بومی و مذهبی ایشان و مهاجرتشان، اطلاعاتی دانسته شود.

الف. مرعش و جغرافیای آن

شهر مرعش، در حوالی مرزهای سوریه و ترکیه فعلی و در «جبال نصیریه» است. منطقه‌ای کوهستانی در شمال غرب سوریه که امروز به جبال «العلوبین» مشهور است. (هاشم عثمان، ۱۴۰۵ق: ص ۳۹) این سلسله‌جبال، از شرق طرسوس در ترکیه امروزی آغاز و تا جبال لبنان امتداد دارد. هر قسمت از آن، به نامی مشهور است. منطقه‌ای که به لحاظ تاریخی به جبل نصیریه معروف و مرکز تجمع فرقه نصیریان بوده است، حد فاصل انطاکیه و اسکندرون در شمال، تا جبله

و طرسوس در جنوب است. (برومند اعلم، ۱۳۸۴ش: ص ۲۱) در این منطقه، جنگ‌ها و وقایع مختلفی از قرن ۴ تا جنگ‌های صلیبی قرن ۷، رخ داده است. (نک: ایناس، ۲۰۱۲م: سراسر متن) و به مهاجرت مرعشیان نیز انجامیده است.

ب. نصیری، حمدانیان و مرعشیان

سیف‌الدوله حمدانی، حاکم منطقه شام، توانست در سال ۳۴۲ قمری در جنگ مرعش، با رومیان، بر منطقه مرعش، که در کوه‌های نزدیکی حلب است، دست یابد. وی همچنین بر مناطق دیگر آنجا، مانند میافارقین، حدث، هارونیه، عین زربی، مصیبه و طرسوس، استیلا یافت. (نک: ایناس، ۲۰۱۲م: سراسر متن؛ قره چانلو، ۱۳۸۰ش: ۱، فصل پنجم)

حمدانیان از خاندان‌های شیعی حاکم بر موصل، حلب و دمشق از قرن سوم تا اواخر قرن چهارم قمری بودند که به‌رغم هم‌پیمانی با حکومت‌های سنی، مذهب رسمی آنان، تشیع دوازده امامی (از نوع گرایشات غالبانه) بوده است. (نک: ابوفراس، ۱۴۲۰ق: ص ۳۳۷ و ۳۵۱) به طوری که حتی ایشان به تغییر ترکیب جمعیتی حلب به نفع شیعیان دست زدند. (نک: راغب، ۱۴۰۸ق: ج ۱، ص ۲۵۳) آنها به درج اسامی پنج تن: بر روی سکه‌های حمدانی اقدام کردند. (ابن ظافر، بی‌تا: ص ۳۷) همچنین به ساخت و سازهایی بر مزار حضرت علی (ع) دست زدند. حتی به ساخت قبه‌ای بزرگ که درون آن با فرش‌های گران‌قیمت پوشیده شده بود، اقدام نمودند. (ابن حوقل، ۱۹۳۸م: ص ۲۴۰) همچنین جملات «حی علی خیر العمل، محمد و علی خیر البشر» را به اذان اضافه کردند. (ابن عدیم، ۱۹۵۱م: ج ۱، ص ۱۷۲) این وضعیت شیعه‌گری ایشان به‌گونه‌ای بود که آشکارترین جلوه‌های تشیع در اشعار این روزگار منعکس شده و حتی به قح دشمنان اهل بیت: پرداخته است. (برای نمونه نک: ابوفراس، ۱۴۲۰ق: ص ۳۰۰، ۳۳۷، ۳۴۶ و ۳۵۱)

مؤسس حمدانیان شام، ابوالحسن علی، مشهور به سیف‌الدوله (م. ۳۵۶ق) است که با خصیبه نصیری، در سال‌های پایانی زندگی‌اش در منطقه حلب، در ارتباط بوده است. حتی برخی بر آن هستند که سیف‌الدوله، تحت ارشاد و حمایت معنوی خصیبه قرار داشته است؛ حتی علویان معتقدند که سیف‌الدوله وی را در نشر دعوت و سامان‌دهی امور فرقه خود، یاری و معاضدت کرد. (غالب‌طویل، ۱۳۸۶ق: ص ۲۶۰، ۲۶۱ و ۲۶۳) وی نیز، کتاب *الهدایة الکبری* (معروف‌ترین اثر خود را) به سیف‌الدوله تقدیم کرده است. (غالب‌طویل، ۱۳۸۶ق: ص ۲۰۷) البته این تأثیرگذاری خطیبی را برخی فراتر ذکر کرده‌اند و گفته‌اند:

طرسوس و جمیع مناطق اطنه، تحت نفوذ سید خصیبی و خلیفه‌اش در دین (سیدجلی کبیر) بود؛ به طوری که سیف‌الدوله حمدانی پیروز نمی‌شد، مگر به واسطه حسین بن حمدان خصیبی که با نفوذ معنوی خود و تأثیرگذاری بر علویان او را یاری می‌کرد. (غالب طویل، ۱۳۸۶ق: ص ۴۴۰)

ج. مهاجرت مرعشیان به ایران

با برآمدن دولت طاهریان در خراسان، گرگان و دهستان نیز، زیر فرمان آنان درآمدند. زمان حکومت محمد بن عبدالله بن طاهر، یعقوب لیث صفاری (آغاز سلطنت ۲۴۷ق) از سیستان به خراسان لشکر کشید و پس از تصرف نیشابور به استرآباد، گرگان و دهستان تاخت و این سرزمین‌ها را بر قلمرو خود افزود. (ابن اسفندیار، ۱۳۲۰ ش: ج ۱، ص ۲۴۵)

در سال ۲۵۰ قمری، گروهی از اهالی طبرستان با راهنمایی یکی از علویان ساکن در طبرستان به ری رفته، از حسن بن زید، که زیدی‌مذهب بود، دعوت کردند تا رهبری آنان را بپذیرد. (طبری، بی‌تا: ج ۹، ص ۲۷۱؛ حمزه اصفهانی، بی‌تا: ص ۱۷۰ و ۱۷۴) از اسناد دیگری همانند اسناد ابتدای تفسیر امام حسن عسکری(ع) نیز، این ارتباط طبریان و برخی از تبار مرعشی با حسن بن زید، دانسته می‌شود. (مجلسی، بی‌تا: ج ۱، ص ۷۰) حسن بن زید نیز، برای بیرون راندن طاهریان از طبرستان، نخست به آمل حمله کرد. پس از تصرف آمل، رو به ساری نهاد. با تصرف ساری، سراسر طبرستان به سیطره وی درآمد. (طبری، بی‌تا: ج ۹، ص ۲۷۱ و ۲۷۲؛ ابن اثیر، ۱۳۸۵ق: ج ۷، ص ۱۳۲ و ۱۳۳)

از سوی دیگر، ابراهیم طباطبا (م. ۴۷۹ق) در کتاب *منتقله الطالبیه* ذیل نام جرجان، نام چند چهره برجسته علوی را یاد کرده که به این دیار آمده و اعقاب آنها در جرجان باقی مانده‌اند. وی در این فهرست، آورده است که فرزندان حسین اصغر، فرزند علی بن حسین بن علی: نیز، از این جمله‌اند. ابن طباطبا، شماری از فرزندان حسین اصغر، مانند حسن بن محمد عقیقی، فرزند جعفر بن عبدالله بن حسین اصغر که در جرجان کشته شد و از فرماندهان سپاه حسن بن زید علوی بود را نیز، ذکر کرده است. (طباطبا، ۱۳۷۲ش: ص ۱۱۴ و ۱۱۵)

بنابراین ممکن است پس از استقرار برخی مرعشیان در طبرستان به واسطه همراهی حسن بن زید، عده دیگری از تبار ایشان نیز، از منطقه مرعش به طبرستان و دیگر مناطق (برای نمونه نک: ابن عنبه، ۱۴۱۷ق: ص ۷۴) مهاجرت کرده باشند؛ از جمله آنها، اجداد ابو جعفر مرعشی هستند.

۳- تولد ابوجعفر مرعشی

سمعانی درباره زمان ولادت ابوجعفر مرعشی، تاریخ ۴۶۲ قمری را درج کرده و نوشته است: «و کانت ولادته فی صفر سنه اثنتین و ستین و أربعمائه». (سمعانی، ۱۳۸۲ق: ۱۹۲/۱۲) اکنون با فرض اینکه ممکن است عدد سماعی تصحیف شده باشد، بررسی می‌نماییم که حدود دوره ولادت ابوجعفر چگونه می‌تواند باشد.

با توجه به اسناد تفسیر منسوب به امام عسکری (ع)، که محمد بن سراهنک، راوی مهدی مرعشی، ذکر کرده است و وی در تاریخ ۵۳۳ قمری زنده بوده است و تاریخ وفات شیخ حدیثی ابوجعفر در جرجان، یعنی اسماعیل بن مسعده، در سال ۴۷۷ قمری، می‌توان نتیجه گرفت که تاریخ تولد ابوجعفر مرعشی، نمی‌تواند بعد از ۵۳۳ قمری و از آن مهم‌تر، ۴۷۷ قمری باشد. پس طبق این قرائن و شواهد، بعید نیست که تاریخ ۴۶۲ قمری که سماعی برای تولد ابوجعفر بیان کرده است، صحیح باشد.

همچنین سماعی در دو جای ترجمه کوتاه خود از ابوجعفر، وی را دهستانی دانسته است. وی نوشته است: «ولد بدهستان و نشأ بجرجان» و «و کانت ولادته فی صفر سنه اثنتین و ستین و أربعمائه بدهستان» (سمعانی، ۱۳۸۲ق: ۱۹۲/۱۲) دیگران نیز این محل تولد را به نقل از سماعی در آثار خود ذکر کرده‌اند. (برای نمونه نک: ابن حجر عسقلانی، ۱۳۹۰ق: ج ۶ ص ۱۰۶)

دهستان، یا دهستان، نام شهر و سرزمینی کهن، در نواحی جنوب خاوری دریای مازندران است که بخش‌های بزرگی از آن، امروزه در خاک جمهوری ترکمنستان قرار دارد. دهستان از جنوب به گرگان، از باختر به کرانه‌های دریای مازندران، از شمال به فراوه، و از خاور به خراسان محدود می‌شده است. (ستوده، ۱۳۷۷ش: ج ۴، ص ۷۲۴) جغرافی‌نویسان نخستین سده‌های اسلامی، دهستان را از توابع جرجان برشمرده‌اند. (ابن حوقل، ۱۹۳۸م: ج ۲، ص ۳۷۵؛ نیز ابن خردادبه، ۱۳۰۶ق: ص ۱۱۹) همچنین آن را یکی از بهترین نواحی گرگان و ناحیه‌ای آباد و پرجمعیت توصیف کرده‌اند. (مقدسی، ۱۹۰۶م: ص ۳۵۸)

۴- زمانه و مذاهب دوران ابوجعفر المرعشی

ابوجعفر مرعشی (۴۶۲ - ۵۳۹ ق) در دوره سلجوقیان (قرن ۵ و ۶) می‌زیسته است. ترکان سلجوقی به رهبری طغرل بیگ، خراسان را تصرف کردند و در نیشابور به نام وی خطبه خوانده شد. پس از آن، وی گرگان و طبرستان را نیز تسخیر کرد و بر دهستان مسلط شد. از سال ۴۳۳ق

استادی: زندگی تاریخی مهدی مرعشی (راوی تفسیر امام حسن عسکری (ع)... ۱۰۷

تا حدود سال ۵۵۷ق، دهستان در دست حکومت مرکزی سلجوقیان بوده است. (ابن اثیر، ۱۳۸۵ق: ج ۹، ص ۵۰۶ و ۵۰۹)

از مراکز شیعی ایران در عصر سلجوقی، می‌توان از کاشان، تفرش، آوه، قم، ری و بلاد مازندران و نیز گروه‌هایی از شیعه، در نیشابور و سبزوار نام برد. (نک: رازی، بی‌تا: ص ۵۳ - ۷۷؛ حلمی، ۱۳۸۳ش: ص ۱۵۱) در این عصر، چهار گروه شیعی در ایران اهمیت خود را همچنان حفظ کرده بودند: زیدیه، اسماعیلیه، امامیه و غلات نصیری. (صابری، ۱۳۸۳ش: ج ۲، ص ۵۵۳) شیعه امامیه غیرغالی، با پرهیز از ورود به درگیری‌های فرقه‌ای، می‌کوشیدند با حفظ هویت مذهبی خود، اهداف اصولی و درازمدت خود را داشته باشند. (نک: کلورنر، ۱۳۶۳ش: ص ۱۵۸ و ۱۵۹؛ حلمی، ۱۳۸۳ش: ص ۱۶۳)

تشیع در طبرستان، به طور عمده، به پس از دولت علویان باز می‌گردد. وجود شیعیان در جرجان و اطراف آن، از سؤالات فقهی آنها که به بغداد می‌رسید، به دست می‌آید. میان آثار شیخ مفید به رساله‌هایی مانند، *المسائل المازندرانیه و المسائل الجرجانیه*، برخورد می‌کنیم که در پاسخ به سؤالاتی نوشته شده است که از مازندران و گرگان برای وی فرستاده شده است. (جعفریان، ۱۳۷۶ش: ص ۷۴) از جمله این کتاب‌ها، کتاب *جوابات اهل جرجان فی تحریم الفقاع* است. (النجاشی، ص ۴۰۲) شبیه همین سؤالات، برای سید مرتضی نیز رسیده بود که بخشی از تألیفات ایشان با مدخل *المسائل*، همانند: «المسائل الناصریات و هی المسائل الطبریة»، «المسائل الجرجانیة» و «المسائل الدیلمیه» از این جمله‌اند.

تشیع در قرن پنجم و شش در طبرستان گسترش یافت. (نک: معلمی، ۱۳۸۹ش: سراسر متن) اما شهرت شهر جرجان و نیز این منطقه به مناطق شیعی، در قرن هفتم و هشتم کاملاً آشکار است. شروع اوج آن، به تأسیس حکومت مرعشیان از سال ۷۶۰ قمری باز می‌گردد.

۵- مذهب ابوجعفر مرعشی

با توجه به شواهد، یعنی آثاری که به ابوجعفر مرتبط شده‌اند و گزارش سمعانی در *الانساب* (سمعانی، ۱۴۰۸ق: ۱۹۲/۱۲)، در اینکه ابوجعفر مرعشی شیعه بوده است، ابهام خاصی در میان نیست. تنها لازم است تا گرایش مذهبی وی مشخص شود. سمعانی، گرایش مذهب ابوجعفر مرعشی را از شیعیان غالی گزارش کرده و گفته است: «کان غالباً فی التشیع، معروفاً

به». (سمعانی، ۱۴۰۸ق: ۱۹۲/۱۲)

جدای از ابوجعفر مرعشی، سمعانی در *الانساب*، به افراد دیگری نیز، نسبت غلو و مذهب شیعه غالی داده است. (سمعانی، ۱۴۰۸ق: ج ۱، ص ۴۷۹ و ج ۲، ص ۲۲۷) وی میان شیعیان و شیعیان غالی، تمایز قائل شده است و برای موارد خاصی از نسبت تشیع به افراد، از عبارات تفکیکی، همانند «کان شیعیاً غلیاً فی التشیع» استفاده نموده است. (سمعانی، ۱۴۰۸ق: ج ۴، ص ۱۸۸) حتی برخی از افراد را آن قدر غالی در تشیع دانسته، که نقل هیچ گونه روایتی از آنان را جایز ندانسته است. (سمعانی، ۱۴۰۸ق: ج ۵، ص ۸۶ و ج ۵، ص ۳۳۶ و ج ۳، ص ۹۵)

سمعانی بسیاری فرقه‌های غلات شیعه را می‌شناخته و در مناسبت‌های مختلف از آنها یاد کرده است؛ همانند: مفوضه، قداحیه، اسحاقیه، خطابیه، غرابیه، ناووسیه، محمدیه، علیانیه، کاملیه و ... (سمعانی، ۱۴۰۸ق: ج ۱، ص ۱۳۶؛ ج ۲، ص ۳۸۱؛ ج ۴، ص ۲۸۵، ۳۹۲ و ۴۵۸، ج ۵، ص ۲۳، ۳۵۷ و ۴۵۰؛ نیز: کشیک‌نویس، ۱۳۹۹ش: سراسر متن) وی به غلات نصیری که در دوره او در ایران رواج داشتند (صابری، ۱۳۸۳ش: ج ۲، ص ۵۵۳) نیز، توجه داشته و آنها را معرفی کرده است: «من غلاة الشیعة یقال لهم: النصیریة، والنسبة إليها نصیری، وهذه الطائفة ینسبون إلى رجل اسمه نصیر» و برخی محدثین و سران آنها را نیز بر شمرده است. (سمعانی، ۱۴۰۸ق: ج ۵، ص ۴۹۸ - ۵۰۰) سمعانی حتی برخی مناطق آنها را به مناسب، معرفی کرده است. (سمعانی، ۱۴۰۸ق: ج ۴، ص ۱۱۹؛ ج ۵، ص ۴۹۹)

با توجه به وجود غلات نصیری در ایران دوره سماعی و مطلق عنوان کردن توصیف ابوجعفر مرعشی به غالی بودنش، احتمال اینکه وی از غلات نصیری ایران بوده باشد، قوی است. شواهدی دیگری همچون: هماهنگی محتوای تفسیر منسوب به امام حسن عسکری (ع) با علایق فرقه غلات نصیری، خاستگاه جغرافیایی اولیه نصیری و ارتباط سران این فرقه با امام حسن عسکری (ع) و آغاز فعالیت در دوره ایشان و همچنین، تبار مرعشیان اولیه شامی که از غالیان نصیری شام بوده‌اند، وضعیت مذهب نصیری و گرایش غالیانه ابوجعفر مرعشی را پررنگ می‌نماید. (استادی، ۱۴۰۰ش: سراسر متن) حتی اگر طبق این شواهد، نپذیریم که ابوجعفر گرایش مذهبی نصیری داشته است، دست کم لازم است روشن کنیم که وی از کدام گروه غلات شیعه بوده است.

۶- تحصیل و تدریس

جرجان در طول تاریخ، اهمیت فراوانی داشته است. به ویژه در قرون نخست هجری، شمار عالمان و محدثان سنی زیادی از آن معرفی شده‌اند. برای نمونه، حمزه سهمی (۴۲۸ق) در تاریخ جرجان و برای چهار قرن، بالغ بر یک هزار و بیست نفر از ایشان را تا تاریخ ۴۲۷ قمری، یعنی حدود پنجاه سال پیش از تولد ابوجعفر مرعشی، شناسانده است. (سهمی، ۱۴۰۷ق: سراسر متن) همچنین در فهرست منتجب‌الدین رازی (۵۸۵ق) و معالم ابن شهر آشوب (۵۸۸ق) و النقص عبدالجلیل (۶ق) و تاریخ طبرستان ابن اسفندیار (۶۱۳ق)، فهرستی از علمای منطقه جرجان آمده است. (همچنین نک: جعفریان، ۱۳۷۶ش: ص ۷۴) با این وجود، اکنون اطلاعات روشنی از وضعیت تحصیلی ابوجعفر در این خطه وجود ندارد. بنابراین شرح وضعیت تحصیلی و تدریس ابوجعفر مشکل است. اما این بررسی‌ها می‌تواند دست کم از دو طریق انجام شود:

۱- پیگیری از طریق اسناد روایی

در آغاز کتاب مناقب، آنجا که ابن شهر آشوب اسناد و طرق کتابش را ذکر می‌کند، دو بار نام‌هایی می‌آید که به نوعی مترادف با نام ابوجعفر حسینی است. یک بار «المهدی بن ابی جرب الحسنی الجرجانی»، وقتی که «اسناد أمالی الحاکم عن المهدی بن ابی جرب الحسنی الجرجانی عن الحاکم النیسابوری» را ذکر نموده (ابن شهر آشوب، بی تا: ج ۱، ص ۱۰)؛ بار دوم، «مهدی بن ابی حرب الحسنی» و در برخی نسخه‌ها «الحسینی»، وقتی که «اسناد الإبانة و کتاب اللوامع عن مهدی بن ابی حرب الحسنی عن ابی سعید أحمد بن عبد الملک الخرکوشی» را ذکر می‌نماید. (ابن شهر آشوب، بی تا: ج ۱، ص ۱۱)

اما در منابع حدیثی شیعه از «ابوجعفر مهدی بن ابی حرب» روایتی یافت نشد؛ جز مطالبی که با اسناد وی در احتجاج و تفسیر منسوب به امام حسن عسکری(ع) آمده است. البته چند مورد اندک روایاتی بدون درج سند، به نقل از کتاب احتجاج، در منابع روایی متأخر آمده است. (نوری، ۱۴۰۸ق: ۳۱۷/۱۷) بنابراین از ابوجعفر حسینی المرعشی، چه با عنوان «مهدی بن ابی حرب الحسنی» و چه با عنوان «مهدی بن الحارث الحسنی»، فقط دو طریق به امام باقر(ع) و امام حسن عسکری(ع) یافت شد:

الف - سند منتهی به امام باقر(ع). (برای نمونه نک: نسخه خطی کتابخانه اردکان به شماره ۱۷۷ با تاریخ ۷۳۶ق، ص ۶۵) ب - سند منتهی به امام حسن عسکری(ع) در کتاب موسوم به

احتجاج و منسوب به طبرسی (برای نمونه نک: نسخه خطی کتابخانه اردکان به شماره ۱۷۷ با تاریخ ۷۳۶ق، ص ۵)؛ اسناد موجود در کتاب موسوم به تفسیر منسوب به امام حسن عسکری (ع). (برای نمونه نک: نسخه خطی رضوی به شماره ۱۱۱۶۵ با تاریخ قرن ۱۰؛ و نسخه خطی مرعشی به شماره ۱۱۹۸۵، قرن ۱۱)

۲- پیگیری از طریق شخص سمعانی و کتاب وی

سمعانی به مناسبت عنوان «المرعشی» از ابوجعفر مرعشی نام برده است. اطلاعات او، که تنها اطلاعات از زندگی و مشایخ وی است و احتمالاً در ملاقات با وی، از او دانسته و ذکر نموده است. (سمعانی، ۱۳۸۲ق: ۱۲/۱۹۲)

الف - اساتید یا مشایخ براساس ترجمه سمعانی

سمعانی در ترجمه خود، شش نفر را نام برده است که ابوجعفر از آنها در شهرهای گوناگون، اخذ روایت کرده است. سه نفر از آنها قاضی هستند، یک نفر وزیر، یک نفر مفتی و یک نفر مجهول که عبارتند از:

۱- الإمام المقتی، اسماعیل الاسماعیلی (م. ۴۷۷ق)

سمعانی در الانساب نوشته که ابوجعفر در شهر جرجان از ابالقاسم اسماعیل بن مسعده الاسماعیلی، سماع حدیث داشته است. ذهبی درباره ابوالقاسم نوشته است:

الإمام المقتی، رئیس، أبو القاسم، إسماعیل بن مسعدة بن إسماعیل ابن الإمام الكبير أبي بكر، الإسماعيلي، الجرجاني. سمع ... ولد سنة سبع وأربع مائة. ومات بجرجان وله سبعون سنة. وكان صدراً، معظماً، إماماً، واعظاً، يبلغاً، له النظم والشعر وسعة العلم. روى ابن السمرقندي عنه كتاب "الكامل" لابن عدي. (الذهبي، ۱۴۲۷ق: ۶۹/۱۴)

۲- نظام الملك، حسن الوزير (م. ۴۸۵ق)

سمعانی همچنین نوشته، ابوجعفر در شهر اصفهان از اباعلی الحسن بن علی بن اسحاق الوزير، سماع حدیث داشته است. ابوعلی حسن طوسی، شناخته شده به «خواجه نظام الملک طوسی» و متولد ۴۰۸ قمری در طوس است. وی وزیر دو تن از شاهان سلجوقی در ایران بود. او را نیرومندترین وزیر در دودمان سلجوقی دانسته اند که ۲۹ سال به سیاست درونی و بیرونی سلجوقی جهت می داد. وی در سال ۴۸۵ قمری، هنگامی که با اردوی شاهی از اصفهان به بغداد

می‌رفت در بروجرد در نزدیکی نهاوند ترور شد. (کانپوری، بی‌تا: سراسر متن)

۳- الْقَاضِي، مُحَمَّدُ النَّهْأَوْنَدِي (م. ۴۹۷ق)

مرعشی همچنین در شهر بصره، از اباعمر محمد بن احمد بن عمر بن النهاوندي، سماع حدیث داشته است. وی ظاهراً قاضی بصره بوده است و اطلاعاتی از او نیافتیم؛ مگر اینکه ابوطاهر السلفی (۵۷۶ق) در *الوجیز فی ذکر المجاز والمجیز* به نام وی اشاره کرده است. (ابوطاهر السلفی، ۱۴۱۱ق: ص ۱۱۰)

۴- احمد التَّقْفِي (م. ۴۸۳ق)

سماعی در *الانساب* عنوان نموده که ابوجعفر مرعشی در شهر کوفه از ابالحسین احمد بن محمد بن احمد بن جعفر التَّقْفِي، سماع حدیث داشته است. ترجمه‌ای از وی نیافتیم.

۵- الْقَاضِي، عَبْدِالسَّلَامِ الْقَزْوِينِي (م. ۴۸۸ق)

سماعی همچنین نوشته که ابوجعفر در شهر بغداد از ابایوسف عبدالسلام بن محمد بن یوسف القزويني، سماع حدیث داشته است. ابویوسف قزويني، عبدالسلام بن محمد بن یوسف بن بُنْدَار، عالم و قاضی معتزلی، که پس از تحصیلات ابتدایی خود، به شام و سپس به مصر رفت و در آنجا حدود ۴۰ سال اقامت گزید. آنگاه به بغداد بازگشت و از سال ۴۷۷ قمری به بعد در آنجا به نقل حدیث پرداخت. وی در همان بغداد، درگذشت. (نک: ابن عساکر، بی‌تا: ج ۱۰، ص ۳۲۵؛ ابن جوزی، ۱۳۵۸ق: ج ۹، ص ۸۹) ابویوسف، که در سده ۵ قمری شدیداً به مذهب حنبلی گرایش داشت، مورد احترام بزرگان بود؛ رجال‌شناسان، عموماً، وی را مدح کرده‌اند. از نظر مذهب فقهی، برخی او را زیدی دانسته‌اند. در مقابل، برخی وی را حنفی دانسته‌اند. ابویوسف صاحب تفسیری بزرگ به نام *حدائق ذات بهجة* بوده است. (انصاری، ۱۳۹۹ش: سراسر متن)

۶- الْقَاضِي، الْحُسَيْنُ الْمَرْهَفُ (م. ۵۰۹ق)

ابوجعفر در شهر نهاوند همدان نیز از اباعبدالله الحسين بن نصر بن مرهف القاضی، سماع حدیث داشته است. ذهبی درباره وی می‌نویسد:

القَاضِي، الْعَلَامَةُ، ابوعَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنُ بْنُ نَصْرِ بْنِ الْمَرْهَفِ النَّهْأَوْنَدِيِّ، ثُمَّ الْأَيْدُبُنِيِّ الشَّافِعِيِّ، قَاضِي نَهْأَوْنَدٍ مُدَّةً طَوِيلَةً. سَمِعَ مِنْ ... قَالَ السَّلْفِيُّ: قَالَ لِي: إِنَّهُ وُلِدَ سَنَةَ ائْتِنْتَيْنِ وَثَلَاثَيْنِ وَأَرْبَعِ مِائَةٍ، وَكَانَ مِنْ كِبَارِ أَصْحَابِ أَبِي إِسْحَاقَ، وَوَلِيَّ قَضَاءِ نَهْأَوْنَدٍ مُدَّةً مَدِيدَةً، وَلَمْ يَكُنْ يُقِيمُ بِهَا. وَقَالَ الْمُبَارِزِيُّ بِنِ كَامِلِ الْخَفَّافِ: مَاتَ بِنَهْأَوْنَدٍ، فِي مُحَرَّمٍ، سَنَةَ تِسْعِ وَخَمْسِ مِائَةٍ. (الذهبي، ۱۴۲۷ق: ج ۱۹، ص ۳۷۸)

ب - اساتید و مشایخ احتمالی ابوجعفر بر اساس اسناد روایی

اسناد روایی، جدای از افتادگی‌ها و تصحیفات سهوی، گاهی دچار تحریفات عمدی نیز می‌شوند. بنابراین استناد قطعی برای یافتن مشایخ و اساتید یا شاگردان اخذ روایت افراد نیستند. به همین دلیل، این نوع از اساتید و مشایخ احتمالی ابوجعفر را، مجزا از اساتید در ترجمه سمعانی، فقط نام می‌بریم:

- ۱- ابن بطّة عکبری متوفی ۳۸۷ قمری؛ (نک: ابن شهر آشوب، بی‌تا: ج ۱، ص ۱۱)؛ ابن ابی‌یعلی، ۱۳۷۱: ج ۲، ص ۱۵۲؛ ذهبی، ۱۴۰۵: ج ۱۶، ص ۵۲۹)
- ۲- حاکم نیشابوری متوفی ۴۰۵ قمری؛ (نک: ابن شهر آشوب، بی‌تا: ج ۱، ص ۱۰)؛ ابن خلکان، بی‌تا: ج ۴، ص ۲۸۱، سبکی، ۱۳۸۳: ج ۴، ص ۱۶۱)
- ۳- أحمد الخرقوشی؛ (نک: حاجی خلیفه، بی‌تا: ج ۲، ستون ۱۰۴۷ و ۱۵۶۹)
- ۴- حسن طوسی زنده به سال ۵۱۱ قمری؛ (نک: صفحه ۶۵ نسخه خطی کتابخانه حوزه علمیه اردکان به شماره ۱۷۷ با تاریخ ۷۳۶ قمری؛ ناشناس، نسخه خطی مرعشی شماره ۴۶۲، بی‌تاریخ؛ تهرانی، الذریعه، بی‌تا: ج ۲۰، ص ۳۲۲)
- ۵- جعفر الدوریستی زنده به سال ۴۵۸ قمری (برای نمونه نک: نسخه خطی رضوی به شماره ۱۱۱۶۵ با تاریخ قرن ۱۰؛ و نسخه خطی مرعشی به شماره ۱۱۹۸۵ قرن ۱۱؛ مجلسی، بی‌تا: ج ۱، ص ۷۰؛ قزوینی رازی، بی‌تا: ص ۲۱۰؛ رازی، بی‌تا: ص ۴۵؛ افندی اصفهانی، ۱۴۰۳: ج ۱، ص ۱۱۰-۱۱۱)

ج - شاگردان احتمالی ابوجعفر

۱- محمد سراهنک (۵۳۳ق)

در اسناد نسخه‌های تفسیر امام عسکری (ع) نام محمد بن سراهک الحسینی الجرجانی آمده است. (برای نمونه نک: نسخه خطی رضوی به شماره ۱۱۱۶۵ با تاریخ قرن ۱۰؛ نسخه خطی مرعشی به شماره ۱۱۹۸۵ قرن ۱۱) (مجلسی، بی‌تا: ج ۱، ص ۷۰) وی در کتب رجال و تراجم شیعه، ناشناخته و مجهول است. جدای از نسخه خطی تفسیر منسوب به امام حسن عسکری (ع)، که با اسناد ذکر شده در دسترس است، وی راوی تنها یک روایت است که در *فرحة الغری* ابن طاووس با عنوان «عن الفقیه محمد بن سراهنک» ذکر شده است. (نک: ابن طاووس، ۱۴۱۹: ص ۱۳۴) البته او کاتب نسخه‌های خطی از رجال طوسی نیز هست که در نسخه نوشته شده: «... السید الشریف

محمد بن سراهنک بن المرتضی الحسینی فی سنه ۵۳۳ ق...» (نک: استادی، ۱۴۰۰ش: سراسر متن) از سوی دیگر، نام و شرح حال احتمالاً پدر یا برادر وی، یعنی المرتضی بن سراهنک، که او نیز کاتب بوده است، به مناسبت کتابت برخی نسخه‌ها مانند نهج البلاغه، در طبقات الزیدیه الکبری آمده است (الشهاری، ۱۴۲۱ق: ج ۱، ص ۳۴۸) و نامش در برخی منابع زیدی نیز با تصحیف و عنوان «شراهنک وعشی» یا «شراهنک الحسنی المرعشی» ذکر شده است. (برای نمونه نک: الشهاری، ۱۴۲۱ق: ج ۳، ص ۱۲۱ و ۴۲۲)

۲- عبدالکریم سمعانی

سمعانی مروزی (م. ۵۶۲ق)، که به نوعی هم‌شهری (خراسان، مرو) و هم‌تبار (شام، حلب) ابوجعفر المرعشی و مترجم وی محسوب می‌شود نیز، از ابوجعفر نقل مطلب کرده است؛ ظاهراً نقل مطلب سمعانی در دیدار دوم وی با ابوجعفر، و در سن ۳۱ سالگی سمعانی، در همان شهر ساریه و دو سال پیش از تاریخ وفات مرعشی، رخ داده است. (نک: سمعانی، ۱۳۸۲ق: ج ۱۲، ص ۱۹۲). کمال‌الدین ابن العدیم (م. ۶۶۰ق) در بغیه الطلب فی تاریخ حلب، شهری را به نقل از او نوشته است. (ابن العدیم، بی تا: ج ۳، ص ۱۰۹۲)

سمعانی به سال ۵۰۶ در سمعان، یعنی محلی در تمیم منطقه شام و نزدیک حلب، به دنیا آمد. وی محضر استادان بسیاری را درک کرد و به خاطر تحقیق و استماع حدیث، سفرهای فراوان به برخی شهرها و کشورها داشت. (نک: سمعانی، ۱۳۸۲ق: ج ۳، ص ۳۰۱) مشهورترین کتاب سمعانی الانساب است که در سال ۵۵۰ قمری در سمرقند شروع به تألیف آن کرد. (نک: همان، ج ۱، ص ۴)

۳- حاکم حسکانی

آقابزرگ تهرانی (م. ۱۳۸۹ق)، در عنوان «مهدی بن ابی‌حرب نزار» نوشته است: «السید العالم العابد ابوجعفر القائنی الحسینی المرعشی ... و یروی عن الحاکم الحسکانی ...». همچنین، آقابزرگ تهرانی در الدرعیه، ذیل عنوان «رد الشمس» می‌نویسد: «و الحسکانی هذا هو من مشایخ مهدی بن ابی‌حرب الذی یروی عنه الطبرسی فی الاحتجاج». (تهرانی، بی تا: ج ۴، ص ۱۹۵) به نظر می‌رسد آقابزرگ تهرانی، اسم او را با دیگری مشترک دیده است و به اشتباه، این عناوین را درج کرده است و در منابع بعدی نیز به اعتبار وی، تکرار شده است. (نک: سبحانی، ۱۴۱۸ق: ج ۶، ص ۳۳۵) چون ما دلیلی بر شاگردی حاکم حسکانی برای ابوجعفر مرعشی نیافتیم؛ جز همان اسناد منقول از شهر آشوب در مناقب (ابن شهر آشوب، بی تا: ج ۱، ص ۱۰) که مشکل دارند.

۴- ابومنصور طبرسی

در منابع متقدم رجالی، ذکری از ابومنصور طبرسی و کتاب *احتجاج* منسوب به او و ابوجعفر مرعشی، به عنوان استاد طبرسی وجود ندارد؛ یعنی این رجالیون با اینکه همگی متأخر دوره حیات ابومنصور طبرسی و ابوجعفر مرعشی هستند و علمای فراوانی را از طبرستان معرفی کرده‌اند، یادی از وی و کتاب *احتجاج* منسوب به وی و ابوجعفر مرعشی نکرده‌اند. به نظر می‌رسد که اگر کتاب *الاحتجاج* کنونی منسوب به طبرسی، نزد ایشان بود یا اطلاعی از آن داشتند، در آثار خود، اطلاعی از این افراد و کتاب، درج می‌کردند.

فقط در *معالم العلماء*، ذکری از نام کتاب *احتجاج* به عنوان تألیف احمد بن علی طبرسی، استاد ابن شهر آشوب، آمده است. (ابن شهر آشوب، بی‌تا: ص ۲۵) اکنون معلوم نیست که نام کتاب *احتجاج* در این یادکرد از استاد خویش، کدام است. به علت عدم ذکر هیچ اطلاعاتی، مشخص نیست که آیا کتاب کنونی موسوم به *احتجاج*، همان کتاب *احتجاج* ذکر شده در *معالم* است، یا کتاب همانام دیگری است.

از سوی دیگر، در جامع *الرواة* اردبیلی (م. ۱۱۰۱ ق)، با اینکه گزارشی از ترجمه احمد بن علی طبرسی و نیز کتاب موسوم به *احتجاج* وجود ندارد و این اشاره به کتاب موسوم به *احتجاج* و ابوجعفر مرعشی، اولین اشاره‌ها به این مسأله است و با توجه به رمز «مح»، گویاست که این مطلب به نقل از تلخیص *المقال* استرآبادی ذکر شده است. از این پس، این اطلاع، در منابع رجالی و تراجمی شیعه تکرار شده است.

بنابراین این احتمال قوی است که چون نسخه خطی کتابی که اکنون *احتجاج* خوانده می‌شود، بدون عنوان و نام مؤلف بوده، برخی افراد به اعتبار جمله ابن شهر آشوب در *معالم*، نتیجه گرفته‌اند که نسخه خطی یافته‌شده، که در بردارنده *احتجاجاتی* است، همان کتاب ذکر شده ابن شهر آشوب برای استاد خود، ابومنصور طبرسی است.

اکنون جدای از ناهماهنگی سال‌های حیات طبرسی و ابوجعفر، باید درباره ابن شهر آشوب و نسبت او با کتاب کنونی *احتجاج* بررسی شود تا مشخص شود این کتاب، همان کتاب ذکر شده در *معالم العلماء* ابومنصور طبرسی است یا خیر.

در سه اثر ابن شهر آشوب که ارتباط تنگاتنگی با مطالب و مسائل کتاب کنونی *احتجاج* دارند (۱- *مُتَشَابِهُ الْقُرْآنِ وَ مُخْتَلَفُهُ* ۲- *مَنَاقِبُ آلِ اَبی‌طَالِبٍ* ۳- *مَثَالِبُ النِّوَابِصِ*)، هیچ مطلبی پیرامون کتاب *احتجاج* و نیز شخص ابومنصور طبرسی، به عنوان مؤلف آن، وجود ندارد. به عبارت دیگر، با

اینکه این کتابها شباهت‌های زیادی در برخی موضوعات با احادیث کتاب‌های کنونی/احتجاج دارند، اما ابن شهر آشوب در این آثار پر حجم خود، جدای از اینکه از این کتابها استفاده نکرده، حتی در آنها هیچ اشاره، نقل و مطلبی از شخص احمد بن طبرسی ننموده است. بنابراین، به نظر می‌رسد کتاب/احتجاج منسوب به طبرسی استاد ابن شهر آشوب، در دوره ابن شهر آشوب وجود نداشته است. همچنین وی شناختی از ابوجعفر الحسینی المرعشی به عنوان استاد استاد خود و راوی اصلی کتاب/احتجاج نداشته است.

۷- سفرهای ابوجعفر مرعشی

طبق نقل سمعانی، ابوجعفر جدای از جرجان و دهستان، که محل تولدش است، به برخی شهرها، یعنی «الحجاز و العراق و خراسان و ماوراءالنهر و البصره و خوزستان» سفر کرده و مدتی حضور داشته است. سمعانی وقتی مشایخ حدیثی وی را نیز ذکر می‌کند، شهرهای ایشان را نیز نام می‌برد؛ یعنی: بغداد، کوفه، اصبهان، نهاوند، بصره. همچنین خود سمعانی، ابوجعفر را در دو شهر مرو و ساریه دیده است. (سمعانی، ۱۳۸۲ق: ج ۱۲، ص ۱۹۲) بنابراین با توجه به نقشه جغرافیایی این شهرها، می‌توان نتیجه گرفت که ابوجعفر مرعشی، سه دسته سفر داشته است:

الف. سفر حج و عراق

با توجه به سال وفات برخی مشایخ، ابوجعفر، همانند عبدالسلام قزوینی (۴۹۷ق)، که سمعانی نقل نموده، و برخی قرائن دیگر سال تولد (۴۶۲ق) و دیدار اول سمعانی (۵۱۶ق) و شهرهای بغداد، کوفه، اصبهان، نهاوند و بصره که سفر کرده، به نظر می‌رسد ابوجعفر در سن حدود بیست سالگی، از جرجان به حج رفته است. در مسیر رفت و برگشت یک‌ساله خود به حج، از برخی شهرها عبور کرده و با برخی مشایخ حدیثی ارتباط برقرار نموده است.

همچنین با توجه به نقشه و جغرافیای حرکت مردم آن دوران به سرزمین حجاز و زیارت عتبات حاجیان شیعی در راه بازگشت، می‌توان این ترتیب سفر را برای ابوجعفر مرعشی احتمال داد: ۱- حرکت از جرجان طبرستان به سوی اصفهان، خوزستان، بصره، حجاز. ۲- بازگشت حج، از مسیر عراق، یعنی کوفه، بغداد و سپس آمدن به ایران و رفتن به دیار خود، از مسیر نهاوند و همدان.

ب. سفر به مرو و خراسان

ابوجعفر یک سفر به خراسان و مرو داشته است و چون در کودکی سمعانی رخ داده (همان)،

به این معناست که سمعانی در حدود سال‌های ۵۰۹ قمری، ابوجعفر را در مرو دیده است. در این تاریخ، ابوجعفر حدود ۴۷ سال داشته است.

ج. سفر به ساریه و اقامت در آن

از گفتار سمعانی روشن است که ابوجعفر در ساریه حضور و اقامت داشته است. سمعانی در یک جا نوشته: «ثم لقیته بساریه» و در جای دیگر نوشته «و سكن فی آخر عمره ساریه مازندران». (همان) چون سمعانی در سال ۵۳۷ قمری به طبرستان و ساریه سفر کرده و ده روز در شهر استرآباد و ساریه اقامت داشته است، (سمعانی، ۱۳۸۲ق: ج ۳، ص ۱۹۹) به نظر می‌رسد این ملاقات میان سمعانی و ابوجعفر در ساریه، به تاریخ ۵۳۷ قمری واقع شده است. بنابراین ظاهراً ابوجعفر در این تاریخ و پس از آن، در ساریه اقامت داشته است.

۸- آثار و تألیفات

از ابوجعفر، اثر مستقل و روشنی در دسترس نیست. اما برخی از کتاب‌ها در حالات مختلف، به وی قابل ربط هستند.

الف - اصل نویسی

اصل، به معنی نسخه‌ها و نوشته‌های آغازین است که مستقیماً از کتابت شنیده‌ها پدید آمده است و با تفاوت‌هایی در مصادیق، در محافل اهل سنت و شیعه، کاربرد داشته است. ابن نجار بغدادی در کتاب *ذیل تاریخ بغداد*، اصلی برای وی دانسته (البغدادی، ۱۴۱۷ق: ج ۱، ص ۱۹۴) ولی جدای از این گزارش، «اصلی» برای ابوجعفر مرعشی، شناسایی نشد.

ب. کتابت و نسخه‌نویسی

ابوجعفر مرعشی به کتابت و نسخه‌نویسی برخی از کتاب‌ها و آثار دیگران اقدام کرده است. که چهار اثر از آنها، عبارتند از:

۱- تفسیر منسوب به امام حسن عسکری (ع). این کتاب، از طریق ابوجعفر مرعشی نقل شده است و دو سند کتاب موسوم به *احتجاج* و نیز اسناد ابتدایی نسخه‌های خطی کتاب تفسیر، با نام تصحیف‌شده ابوجعفر، گویای این مطلب هستند.

۲- اشاره شد که در آغاز کتاب *مناقب*، ابن شهرآشوب ذکر نموده که کتاب امالی حاکم را به اسناد از المهدی بن ابی‌جرب الحسنی عن الحاکم النیسابوری» در اختیار دارد. (ابن شهرآشوب،

بی تا: ج ۱، ص ۱۰)

۳ و ۴- در همانجا، ابن شهر آشوب کتاب‌های *الإبانة* ابن بطة عکبری و *اللوامع* حاکم نیشابوری را نیز به اسناد مهدی بن ابی حرب الحسنی عن ابی سعید الخرقوشی، ذکر می‌نماید. (همان، ۱۱/۱)

۵- همچنین بیان شد که اسناد تفسیر منسوب به امام حسن عسکری (ع) از ابوجعفر مرعشی، موجود در کتاب موسوم به *الاحتجاج*، در اسناد نسخه خطی *المزار* با مؤلف ناشناس، ذیل خطبه یوم الغدیر نیز آمده است. (نک: ناشناس، نسخه خطی مرعشی شماره ۴۶۲، بی تا) این احتمال وجود دارد که نسخه خطی مزار، توسط ابوجعفر یا از روی نسخه‌ای که ابوجعفر کتابت کرده، نسخه‌برداری شده باشد.

ج. کتاب موسوم به احتجاج

با توجه به اینکه کتاب موسوم به *احتجاج*، به اشتباه به ابومنصور طبرسی منسوب شده است و مؤلف آن گمنام است، (نک: استادی، ۱۴۰۰ ش: ب، سراسر متن) این احتمال وجود دارد که این کتاب از تألیفات خود ابوجعفر مرعشی باشد. برخی شواهد همانند لقب وی به «ناصرالدین» نیز، که معمولاً برای عالمانی که در مناظرات و مجادلات کلامی تبحر داشته‌اند، به کار می‌رفته و در دوره ابوجعفر مرسوم بوده است، این احتمال را پشتیبانی می‌کند.

البته در نسخه‌های کتاب کنونی *احتجاج*، هنگام ذکر نام ابوجعفر الحسینی مرعشی، عبارت «رضی الله عنه» ذکر شده است. (نک: نسخه خطی کتابخانه اردکان به شماره ۱۷۷ با تاریخ ۷۳۶ق، ص ۵) این امر گویای این مطلب است که این کتاب نمی‌تواند نوشته ابوجعفر باشد. ولی از آنجایی که در کتاب‌های دیگری نیز رخ داده است که نام مؤلف کتاب را، در نسخه‌برداری‌های بعدی، با کلمات مدح، اضافه کرده‌اند، می‌توان این وضعیت را در این کتاب نیز توجیه کرد.

۹- وفات

سمعانی در کتاب *الانساب* خود، درباره زمان ولادت ابوجعفر مرعشی، تاریخ ۵۳۹ قمری را درج کرده است. (سمعانی، ۱۳۸۲ق: ج ۱۲، ص ۱۹۲) اما ابن حجر العسقلانی (م. ۸۵۲ق) به نقل از سمعانی، در *لسان المیزان* می‌نویسد: «ومات سنه أربعین وخمس مائة» (ابن حجر العسقلانی، ۱۳۹۰ق: ج ۶، ص ۱۰۶) علت این تفاوت یک‌سال میان متن سمعانی و متن منقول از وی، دانسته نشد. اکنون با فرض اینکه ممکن است عدد سمعانی و ابن حجر، تصحیف شده باشند، بررسی می‌کنیم که حدود دوره وفات ابوجعفر مرعشی چگونه می‌تواند باشد.

در نسخه‌های متعددی از کتابی که اکنون /حتجاج خوانده می‌شود آمده است: «مهدی بن ابی‌حرب الحسینی المرعشی رضی‌الله‌عنه». قدیمی‌ترین این نسخه‌ها، نسخه خطی کتابخانه حوزه علمیه اردکان با تاریخ ۷۳۶ قمری است. از آن سو، تاریخ درگذشت خود عبدالکریم سمعانی مروزی ۵۶۲ قمری است و نگارش کتاب /الانساب را در تاریخ ۵۵۰ قمری آغاز نموده است. بنابراین تاریخ وفات ابوجعفر مرعشی، نمی‌تواند بعد از این تاریخ‌ها باشد. ظاهراً وی در تاریخ ۵۵۰ قمری یا حداکثر ۵۶۲ قمری درگذشته است. پس بنا بر این قرائن و شواهد، بعید نیست که تاریخ ۵۳۹ یا ۵۴۰ قمری که سمعانی و ابن حجر به نقل از او برای تولد ابوجعفر بیان کرده‌اند، صحیح باشد.

کنیه‌ای که سمعانی برای مهدی مرعشی ذکر نموده است، «ابوجعفر» است؛ ذهبی و سید مهدی رجایی نیز آن را تکرار کرده‌اند. ظاهراً این کنیه تشریفاتی است؛ همانند کنیه‌هایی که هنگام تولد افراد بر آنها خوانده می‌شود. (مبرد، ۱۳۸۸ق: ج ۲، ص ۱۰۴) چون فرزندی برای ابوجعفر در منابع ذکر نشده و ظاهراً فرزندی نداشته است. جدای از این، برخی منابع به نداشتن فرزند برای وی نیز، تصریح کرده‌اند. (مروزی، ۱۴۰۹ق: ج ۱، ص ۷۵؛ رجایی، ۱۳۸۵ش: ج ۳، ص ۲۹۰)

نتیجه

مهدی مرعشی، در کتب تراجم شیعه، شخصیتی مجهول است. تنها ترجمه‌ای که از وی در دسترس است، ترجمه کوتاهی است که عبدالکریم سمانی از قول مهدی مرعشی نقل نموده است. همچنین، اولین اشاره‌ها به او در تراجم شیعه، توسط اردبیلی (م. ۱۱۰۱ق) و به نقل از تلخیص المقال، صورت گرفته است. همچنین اسامی گوناگون صحیح یا تصحیف‌شده‌ای برای نام و کنیه وی درج شده است. نسب و تبار ابوجعفر نیز، اولین بار در کتاب الانساب آمده است که با تغییرات و تصحیفات، در منابع بعدی تکرار شده است.

مرعشیان، بومی ایران نبوده‌اند و از منطقه مرعش، به ایران و مناطق گوناگون آن مهاجرت کرده‌اند. شاید پس از استقرار برخی مرعشیان در طبرستان، به واسطه همراهی با حسن بن زید، عده دیگری از تبار ایشان نیز، از منطقه مرعش به طبرستان و دیگر مناطق مهاجرت کرده باشند و شاید، مرعشیان نصیری حلب، پس از حکومت حمدانیان، یا در همین میان، به ایران و منطقه طبرستان آمده باشند؛ از جمله آنها، اجداد ابوجعفر مرعشی هستند.

ابوجعفر متولد ۴۶۲ و اهل دهستان است. وی در دوره سلجوقیان (قرن ۵ و ۶) می‌زیسته است؛ دهستان از سال ۴۳۳ق تا سال ۵۵۷ق، در دست حکومت مرکزی سلجوقیان بوده است. سمانی گرایش مذهب ابوجعفر را «شیعه غالی» گزارش کرده و او را معروف در این گرایش دانسته است. با توجه به وجود غلات نصیری در ایران دوره سمانی، احتمال اینکه وی نیز از غلات نصیری ایران بوده باشد، قوی است. شواهد دیگری نیز این وضعیت مذهب او را پررنگ می‌نماید.

اساتید و مشایخ ابوجعفر را می‌توان از طریق اسناد روایی و ترجمه سمانی پی‌گیری کرد. سمانی شش نفر را نام برده است که ابوجعفر در شهرهای گوناگون و به مدت کوتاهی از آنها اخذ روایت نموده است. سه نفر از ایشان قاضی هستند؛ یک نفر وزیر، یک نفر مفتی و یک نفر مجهول است. کسانی نیز به عنوان شیخ یا استاد ابوجعفر قابل معرفی هستند: ۱- ابن بطه عکبری؛ ۲- حاکم نیشابوری؛ ۳- جعفر دوریستی؛ ۴- ابوعلی طوسی؛ ۵- احمد خرگوشی. در این میان به نظر می‌رسد که ابن بطه عکبری، حاکم نیشابوری و جعفر دوریستی، تطابق زمانی با دوره تحصیل ابوجعفر ندارند. از سوی دیگر، شواهد روشنی نداریم که ابوعلی طوسی، استاد ابوجعفر بوده باشد. فقط ممکن است که احمد خرگوشی، جدای از مشایخ نام برده شده توسط سمانی، شیخ یا استاد ابوجعفر باشد که وی نیز چون مجهول است، نمی‌توان تجزیه و تحلیلی برایش، به

عنوان شیخ یا استاد ابوجعفر داشت.

از توجه به برخی اسناد روایی، شاگردان احتمالی نیز می‌توان برای ابوجعفر در نظر گرفت؛ همانند: ۱- محمد سراهنک که مجهول است. ۲- عبدالکریم سمعانی که مترجم وی است. ۳- حاکم حسکانی که دلیل مطمئنی بر شاگردی او نداریم. ۴- ابومنصور طبرسی که مجهول است و به دلایل مختلفی، استاد ابوجعفر مرعشی نبوده است.

پیرامون سفرهای ابوجعفر می‌توان گفت که وی در سن حدود بیست سالگی، از جرجان به حج رفته و در مسیر رفت و برگشت یک‌ساله خود به حج، از برخی شهرها عبور کرده است و با برخی مشایخ حدیثی ارتباط برقرار نموده باشد. همچنین ابوجعفر، یک سفر به خراسان و مرو، در حدود سال ۵۰۹ قمری داشته است؛ وی در تاریخ ۵۳۷ قمری و پس از آن، در ساریه اقامت کرده است.

درباره آثار وی، یک گزارش، که در آن «اصلی» برای ابوجعفر نام برده شده، شناسایی شد. اما از وی اثری در دسترس نیست. ابوجعفر به نسخه‌نویسی برخی از کتاب‌ها و آثار دیگران اقدام کرده است. از سوی دیگر، با توجه به اینکه کتاب موسوم به احتجاج، به اشتباه به ابومنصور طبرسی منسوب شده و مؤلف آن گمنام است، این احتمال وجود دارد که این کتاب نیز، نوشته خود ابوجعفر مرعشی باشد.

تاریخ وفات ابوجعفر، ۵۳۹ یا ۵۴۰ قمری است که سمعانی و ابن حجر به نقل از او برای تولد وی عنوان نموده‌اند و ظاهراً در شهر ساریه طبرستان درگذشته است. برخی منابع، به نداشتن فرزند برای وی تصریح کرده‌اند.

منابع

١. ابن ابی جمهور، محمد (١٤٠٣ق)، *عوالی الثالی العزیزیه*، قم: سید الشهداء(ع).
٢. ابن ابی یعلی، محمد (١٣٧١ق)، *طبقات الحنابلہ*، بکوشش الفقی، قاهره: بی نا.
٣. ابن الأثیر، عزالدین (١٣٨٥ق)، *الکامل فی التاریخ*، بیروت: دارصادر.
٤. ابن الأثیر، عزالدین (بی تا)، *اللباب فی تهذیب الانساب*، بیروت: دارصادر.
٥. ابن العدیم (بی تا)، *بغیه الطلب فی تاریخ حلب*، بیروت: دارافکر.
٦. ابن جوزی، عبدالرحمان (١٣٥٨ق)، *المنتظم*، حیدرآباد دکن.
٧. ابن حوقل، محمد (١٩٣٨م)، *صورة الارض*، بکوشش کرامرس، هلند: لیدن.
٨. ابن شهر آشوب، محمد (بی تا)، *معالم العلماء*، نجف: الحیدریه.
٩. ابن ظافر ازدی (بی تا)، *اخبار الدوله الحمدانیه*، چاپ رواف، بی جا: بی نا.
١٠. ابن عدیم (١٩٥١م)، *زیده الحلب*، چاپ دهان، دمشق: دارالکتاب العربی.
١١. ابن عساکر، علی (بی تا)، *تاریخ مدینه دمشق*، عمان، دارالبشیر.
١٢. ابن عنبه، احمد (١٤١٧ق)، *عمده الطالب*، قم: مؤسسه انصاریان.
١٣. ابن اسفندیار، محمد (١٣٢٠ش)، *تاریخ طبرستان*، به کوشش آشتیانی، تهران: بی نا.
١٤. ابن حجر عسقلانی، احمد (١٣٩٠ق)، *لسان المیزان*، بیروت: مؤسسه الأعلمی.
١٥. ابن خردادبه، عبیدالله (١٣٠٦ق)، *المسالك و الممالک*، بکوشش دخویه، هلند: لیدن.
١٦. ابن خلکان، احمد (بی تا)، *وفیات الأعیان*، بیروت: دار صادر.
١٧. ابن طاووس (١٤١٩ق)، *فرحة الغری*، قم: چاپ آل شیب.
١٨. أبوطاهر السلفی (١٤١١ق)، *الوجیز*، المحقق البقاعی، بیروت: دارالغرب.
١٩. ابوفراس حمدانی (١٤٢٠ق)، *دیوان*، شرح دویهی، بیروت: دارالکتاب.
٢٠. اردبیلی، محمد (١٤٠٣ق)، *جامع الرواه*، بیروت: دارالاضواء.
٢١. استادی، رضا (١٣٦٤ش)، *بحتى دربارہ تفسیر امام حسن العسکری(ع)*، نورعلم، ش ١٣.
٢٢. امین عاملی، محسن (١٣٥٣ش)، *زندگانی حضرت امام زین العابدین(ع)*، بی جا: نسخه خطی.
٢٣. انصاری، حسن (١٣٩٩ش)، *ابویوسف قزوینی*، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، تهران: دائرة المعارف.

۱۲۲ سخن تاریخ / سال شانزدهم، شماره ۴۰، زمستان ۱۴۰۱

۲۴. ایناس، الشوره (۲۰۱۲م)، **مدینه مرعش**، حولیه الآثاریین العربی، مقاله ۶۰، المجلد ۱۵، العدد ۱۵.
۲۵. برومندا علم، عباس (۱۳۸۵ش)، «**فرقه نصیرییه از آغاز تا انتقال دعوت به شام**»، تاریخ پژوهان، شماره ۵.
۲۶. البغدادی، ابن النجار (۱۴۱۷ق)، **ذیل تاریخ بغداد**، بی‌جا: بی‌نا.
۲۷. تهرانی، آقا بزرگ (بی‌تا)، **الندریعه**، بیروت: دارالاضواء.
۲۸. تهرانی، آقا بزرگ (بی‌تا)، **طبقات اعلام الشیعه**، تحقیق منزوی، قم: اسماعیلیان.
۲۹. جعفریان، رسول (۱۳۷۶ش)، **تشیع در جرجان و استرآباد**، کیهان اندیشه، ش ۷۴.
۳۰. حرعاملی، محمد (بی‌تا)، **امل الأمل**، تحقیق الحسینی، بغداد: مکتبه اندلس.
۳۱. حلبی غزی، کامل (۱۴۱۹ق)، **نهرالذهب فی تاریخ حلب**، حلب: دارالقلم.
۳۲. حلمی، احمد (۱۳۸۳ش)، **دولت سلجوقیان**، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
۳۳. حمزه اصفهانی (بی‌تا)، **تاریخ سنی ملوک الأرض و الأنبیاء**، بیروت: دارمکتبه الحیاء.
۳۴. خطیب بغدادی، احمد بن علی (۱۳۴۹ق)، **تاریخ بغداد**، بیروت: بی‌نا.
۳۵. ذهبی، شمس‌الدین (۱۴۱۳ق)، **تاریخ الاسلام**، تحقیق تدمری، بیروت: دارالکتاب.
۳۶. الذهبی، محمد (۱۴۰۵ق)، **سیر اعلام النبلاء**، تحقیق الأرئووط، بیروت: الرساله. نیز: همان، (۱۴۲۷ق)، قاهره: دارالحديث.
۳۷. رازی، منتجب‌الدین (بی‌تا)، **الفهرست**، قم: مهر. نیز: همان، (۱۳۶۶ش)، قم: کتابخانه مرعشی نجفی.
۳۸. راغب طبایح، محمد (۱۴۰۸ق)، **اعلام النبلاء**، چاپ کمال، حلب: دارالقلم.
۳۹. رجایی، مهدی (۱۳۸۵ش)، **المعقبون من آل ابی طالب (ع)**، قم: مؤسسه عاشورا.
۴۰. سبکی (۱۳۸۳ق)، **طبقات الشافعیه**، تحقیق الطنحی، قاهره: دار هجر.
۴۱. ستوده، منوچهر (۱۳۷۷ش)، **از آستارا تا استارباد**، تهران: بی‌نا.
۴۲. سمعانی، عبدالکریم (۱۳۸۲ق)، **الأنساب**، المحقق المعلمی، حیدرآباد: دائرة المعارف العثمانیه. نیز: همان، (۱۴۰۸ق)، المحقق عبدالله عمر، بیروت: دارالجنان.
۴۳. سهمی، حمزه (۱۴۰۷ق)، **تاریخ جرجان**، بیروت: عالم‌الکتب.
۴۴. الشهاری، ابراهیم (۱۴۲۱ق)، **طبقات الزیدییه**، اردن: مؤسسه الامام زید.
۴۵. شهیدی، جعفر (۱۳۷۴). **زندگانی علی بن الحسین (ع)**. تهران: فرهنگ اسلامی.
۴۶. صابری، حسین (۱۳۸۳ش)، **تاریخ فرق اسلامی**، تهران: سمت.

۴۷. صادقی، مصطفی (۱۳۹۵ش)، *نگاهی به کتاب احتجاج*، سخن تاریخ، سال دهم، ش ۲۴.
۴۸. طباطبای، ابراهیم (۱۳۷۲ش)، *مهاجران آل ابی طالب*، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
۴۹. طبری، محمد (بی‌تا)، *تاریخ طبری*، بیروت، بی‌نا.
۵۰. طوسی، محمد (۱۴۱۴ق)، *الامالی*، قم: دارالثقافه.
۵۱. طوسی، محمد (۱۴۱۵ق)، *رجال طوسی*، قم، جامعه مدرسین.
۵۲. علمیه، عبدالرحمن (۱۴۰۴ق)، *المنهج الاحمد*، بکوشش عبدالحمید، بیروت: بی‌نا.
۵۳. غالب طویل، محمدامین (۱۳۸۶ق)، *تاریخ العلویین*، بیروت: دارالاندلس.
۵۴. قره چانلو، حسین (۱۳۸۰)، *جغرافیای تاریخی کشورهای اسلامی*، تهران: سمت.
۵۵. قزوینی رازی، عبدالجلیل (بی‌تا)، *النقض*، تصحیح محدث، تهران: انجمن مفاخر.
۵۶. کانپوری، عبدالرزاق (۱۳۵۴ش)، *زندگانی ابوعلی حسن بن علی بن اسحاق طوسی*، ترجمه طباطبائی، بی‌نا.
۵۷. کشیک‌نویس، کمال (۱۳۹۹ش)، *تشیع و فرق آن در الأنساب سمعانی*، پژوهش‌نامه تاریخ تمدن اسلامی، دوره ۵۳، ش ۱.
۵۸. کلبرک، اتان (۲۰۰۲م)، *زین العابدین*، لایدن: دانشنامه بریل.
۵۹. کلوزنر، کارل (۱۳۶۳ش)، *دیوان سالاری در عهد سلجوقی*، تهران: امیرکبیر.
۶۰. مامقانی (۱۴۳۱ق)، *تنقیح المقال*، قم: مؤسسه آل‌البیت.
۶۱. مبرد، ابوالعباس (۱۳۸۸ق)، *الکامل*، تحقیق شهاته، مصر: مکتبه النهضه.
۶۲. مجلسی، محمدباقر (بی‌تا)، *بحار الانوار*، بیروت، دار الاحیاء.
۶۳. مروزی، عزالدین (۱۴۰۹ق)، *الفخری*، قم: مکتبه المرعشی النجفی.
۶۴. معلمی، مصطفی (۱۳۸۹ش)، *روابط خاندان باو با سلاجقه*، طبرستان نامه، مازندران: رسانش.
۶۵. مفید، محمد (۱۴۱۳ق)، *الارشاد*، قم: کنگره شیخ مفید.
۶۶. مقدسی، محمد (۱۹۰۶م)، *احسن التقاسیم*، بکوشش دخویه، هلند: لیدن.
۶۷. مهاجر، جعفر (۱۳۹۰ش)، «*کاروان غم: مسیر حرکت*»، تهران: مسافر.
۶۸. نجاشی، احمد (۱۴۰۷ق)، *رجال*، به کوشش زنجانی، قم: نشر اسلامی.
۶۹. هاشم عثمان (۱۴۰۵ق)، *العلویون*، بیروت: الاعلمی.